

دلایلی بر شیعه امامی بودن ابن سینا

۲ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۲

نظریه ابن سینا در باره اعتبار نص و لزوم عصمت و افضلیت خلیفه یا امام، دلیلی است بر شیعه امامی بودن وی.

مطلب زیر با عنوان دلایلی بر شیعه امامی بودن ابن سینا عنوان مقاله ای از رحیم نوروزی دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد تبریز است که اکنون آنرا با هم می خوانیم.

ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ه ق) در محیطی آشفته از نظر سیاسی می زیست اما برخلاف فارابی گوشه عزلت برنگزید و به متن رویدادهای سیاسی گام نهاد و تا پذیرش منصب وزارت نیز پیش رفت. او به قضایا و رویدادهای سیاسی و همچنین به مسأله قدرت با دیدگاه محض فلسفی نگاه نمی کرد و سیاست را به تجربه آمیخت و مرز بین رویا و واقعیت را بازشناخت.

همان گونه که می دانیم فارابی نخستین فیلسوف عالم اسلام بود که به سیاست پرداخت و حکیمی است مرجع همگان و ابن سینا از جمله پیروان معلم ثانی بوده و در مورد مسایل جامعه مدنی و اموری که به سعادت و شقاوت انسانها ارتباط دارد سخن گفته است. این حکیم فرزانه در کتاب اقسام العلوم و رساله نبوت و در پایان کتاب شفا و النجاة، از مدینه عاده صحبت می کند. وی در دیدگاهش از نظرات افلاطون و ارسطو نیز تأثیر پذیرفته است.

به عقیده ابوعلی سینا، خانواده سنگ زیرین جامعه بشری است و جامعه ها از گسترش واحد خانواده کل می گیرد. اساس فرمانروایی و دولت از آنجا ناشی می شود که با گسترش خانواده رئیس و بزرگ خانواده دیگر خود را در حد صاحب یک خانواده نمی بیند. رئیس باید سیاستمداری هوشمند و مصلحت اندیش باشد و به حسن تدبیر امور جامعه را رهبری کند تا زندگی اجتماعی مردمش انسجام یابد و کارشان استقامت پیدا نماید. ابن سینا معتقد به تزکیه نفس است و اصلاح اجتماع را به اصلاح فرد منوط دانسته است.

هرچند ابن سینا بحث سیاست را به مانند فارابی و به گونه ای مستقل مطرح نمی کند اما سیاست را از مباحث فرعی نبوت به شمار می آورد. فرض اولیه ابن سینا درباره جامعه مدنی آن است که جامعه بشری محصول تقسیم کار اجتماعی است و تعاون نیز جز با اختلاف و تفاوت در تواناییهای افراد حاصل نمی شود. از نظر ابن سینا برابری مطلق از بین برنده عدالت و نظم اجتماعی می باشد. وی در کتاب السیاسة می نویسد: «جامعه یکسان و بی طبقه و فاقد اختلافات و تمایز که همه افراد آن در وضعیت یکسان و

برابر باشند سرنوشتی جز اضمحلال و نابودی ندارند.» ابن سینا برای عدالت جنبه و حیانی قائل است. وی به تعاریفی از عدالت از جمله «اعطای کل ذی حق حقه» اعتقاد داشته و عدالت را به معنای برابری مطلق نمی داند بلکه در زمینه استحقاقهای متساوی، تساوی و نفی تبعیض را لازم می داند و به جای برابری مطلق و تغالب به تفاوت و تعاون در بین انسانها عقیده دارد.

زندگی پر فراز و نشیب بوعلی سینا علی رغم معدود ایامی که سمت وزارت و مشاورت و طبابت سلاطین سامانی را عهده دار بود، ولی گاهی نیز از ترس جان و ترس از حاکمان در فرار و تبعید بوده و بی دلیل نیست که طرح مدینه عادلانه و آرمانی توسط وی ترسیم شده است. در الگوی مدینه فاضله ابن سینا می توان به طور غیرمستقیم تعبیر قرارداد اجتماعی را تفسیر نمود زیرا هیچ فیلسوف مسلمانی قبل از وی نظم سیاسی را بر اساس یک قرارداد تعریف نکرده است و مبنای این قراردادها سنت و عدل است و اجراکننده آن نیز قانونگذار عادل و طبعاً قانونگذار در نزد وی مقامی متعالی تر از افراد عادی داشته و تنها ذات احدیت تشریح کننده احکام است.

مدینه فاضله و اجتماع مدنی با نبی شارع آغاز می شود و با بحث نبوت ارتباط اساسی دارد. سیاست از نظر ابن سینا جز از مجرای قانونگذاری برای تأسیس مدینه فاضله (عادلانه) امکان پذیر نیست و بارزترین و عالی ترین نمونه این قوانین قانون شریعت و واضح آن پیامبر است. بنابراین رئیس بحث سیاسی ابن سینا، یکی ریاست سیاسی و اداره امور مدینه و دیگری نبوت (بحث در تشریح) تقسیم می شود. ابن سینا در بحث جانشینی پیامبر عقیده دارد «پس از پیامبر جانشین شایسته وی باید زندگی سیاسی و اجتماعی مردم را سامان دهد.»

مفهوم خلیفه یا امام در نزد ابن سینا اینجا روشن می شد و از سویی، نظریه وی در باره اعتبار نص و لزوم عصمت و افضلیت خلیفه یا امام، دلیلی است بر شیعه امامی بودن ابن سینا. ابن سینا به همان نسبت که هوادار رهبر آرمانی و با فضیلت است از فرمانروایی زورسالار نیز بیزار است و کشتن وی را روا می داند. بنابر این یکی از اصول اندیشه سیاسی در نزد ابن سینا خروج بر حاکم جائز است و معتقد است اجرای این امر مایه تقرب الهی است.

اندیشه سیاسی ابن سینا بر کیهان شناسی و انسان شناسی و فرشته شناسی او استوار است. ابوعلی سینا درباره انواع سیاست اجتماعی بحث کوتاهی در رساله «حکمه العروصیه» وجود دارد که چهار نظام سیاسی تشریح و توضیح داده شده است: حکومت دموکراسی که تساوی همه افراد در حکم بوده و مضرات و مواهب حکومت به نحو متساوی عاید همه می گردد. رئیس چنین حکومتی توسط همه مردم یا روسای درجه دوم انتخاب می شود. حکومت‌های که تحت سلطه ریاست های پست و منحط قرار دارند و رئیس اول آن برعهده پست ترین مردم است. چنین حکومت و بالطبع جوامعی که چنین حکومت‌هایی را پذیرفته اند خود دارای انواع متعددی می باشند نظیر چنین حکومتی را در حکومت جامعه جاهله فارابی می توان یافت که به شش جامعه: ضروریه، حریه، کرامیه، تغلیبه، خسیسه و متبدله تقسیم شده است.

حکومت استبدادی و پادشاهی که در عبارت بوعلی به «وحدانیة الریاسة» تعبیر شده است و هدف عمده ریاست، اطاعت و انقیاد

کامل مرئوسین می باشد. حکومت اشرافی که در کلمات بوعلی به حکومت و یا ریاست فاضله تعبیر شده است در چنین نظامی با فضیلت ترین افراد رئیس اول جامعه بوده و باقی مردم به نسبت برخورداری از فضیلت و کمال اخلاقی در سلسله مراتب اجتماعی قرار داده می شوند. ابن سینا نوع سوم یعنی حکومت پادشاهی را پسندیده و پس از آن انتخاب و اختیار یعنی حکومت دموکراسی در رتبه دوم و پس از آن حکومت کرامیه و سرانجام حکومت غلبه و حکومت احرار (مدینه حریه) را به عنوان پست ترین شیوه حکومتی شماره می کند.

تلاش عمده ابن سینا متوجه رهبری جامعه است و این که چه کسی باید حکومت کند. و از سوی دیگر اندیشه سیاسی وی از یک سو با عقل و توضیح جایگاه نبوت در پیوند است و از سوی دیگر با مساله مدنی الطبع بودن انسان. ابن سینا پیرامون بحث «عقل قدسی» می گوید این موهبتی است الهی که به افرادی نادر اختصاص می یابد و نبوت را به این عقل قدسی نسبت می دهد و آن را عالیترین درجه عقل بشری توصیف می کند.

ابن سینا در ترکیب فلسفه عقلی یونان و شریعت اسلامی و پیوندی که میان نبوت و سیاست برقرار کرد از فارابی فراتر رفت و به وحدت فلسفی دست یافت یعنی نسبتی که فارابی میان عقل و وحی برقرار کرده بود در فلسفه ابن سینا دستخوش دگرگونی شد و در نهایت الزامات شریعت بر بحث عقلی چیرگی پیدا کرد و سیاست همواره در نزد او از زاویه شریعت تحلیل شد. در واقع او به دنبال شرعی کردن عقل بود تا عقلی کردن شریعت. از همین رو هدف نهایی وی شرعی کردن سیاست است، اما با همه اهمیتی که فلسفه سیاسی ابن سینا دارد برخی برای آن ارزشی نه به اندازه فارابی قائل شده اند و در واقع فلسفه سیاسی ابن سینا را درامتداد فلسفه سیاسی فارابی می دانند.

منبع: مهر

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۱۳۳۱/سینا-ابن-بودن-امام-شیعه-دلایلی>